رمضان و جاذبه ها و دافعه هاي اجتماعي و سياسي

ماه مبارك رمضان و لحظات پاك و نوراني آن اگر چه فضاي معنوي خاصي ايجاد مي كند تا خودسازي هاي اخلاقي رونق گيرند و درون نگري ها و مقابله با صفات نكوهيده شدت يابند و خلوت هاي عاشقانه و مناجات هاي عارفانه به اوج رسند و عبادت هاي « فردي » براي تهذيب نفس و طي مراحل تقوا و تقرب افزون گردند لكن گرايش ها و تلاش هاي « اجتماعي » و رويكردها و مراقبت هاي « سياسي » نيز در اين ماه شريف داراي جايگاه خاص مي باشند.   
اين از مشخصه هاي بارز دين مبين اسلام است كه در تمام عبادت ها و در كنار همه پرورش هاي اخلاقي و معنوي گرايش هاي اجتماعي و سياسي را نيز به صورت جلوه اي از تعاليم و قوانين جامع خود به تجلي و ظهور در مي آورد تا اين بينش و شناخت را به اهل ايمان منتقل سازد كه اولا اسلام دين زندگي است و به تمام ابعاد آفرينش انسان و همه نيازهاي او نظر مي گسترد و تلاش هاي معنوي را با فعاليت هاي اجتماعي و سياسي ممزوج مي سازد و بين دنيا و آخرت موازنه ايجاد مي كند تا انسان را مطابق با نيازهاي اصيل فطري و طبيعي او كه هم « روحي و معنوي » و هم « جسمي و مادي » مي باشد به رشد و كمال برساند.  
ثانياً اسلام عزلت و رهبانيت را طردمي كند و براي گرايشات اخلاقي و رويكردهاي خاص تهذيبي و درون گرايانه در صورتي ارزش و اعتبار قائل است كه انسان را آنگونه بپرورد كه شخصيتي جامع به دست آورد و ثمره خودسازي هاي فردي خويش را در حيات اجتماعي و سياسي متجلي سازد و براي جامعه انساني مفيد و سازنده و راهگشا باشد.  
ثالثا اسلام مسلمان عابد و زاهد و در عين حال گوشه گير و بريده از اجتماع و تهي از بينش و آگاهي هاي سياسي و گريزان از وظايف و مسئوليت هاي اجتماعي و سياسي خاصي كه تعاليم و قوانين الهي مشخص مي سازند را كامل نمي داند و اين نوع دينداري و اسلام گرايي و عبادت را ناقص معرفي مي كند و طبيعي است كه مسلمانان متمايل به اين شيوه متضاد با حقيقت اسلام اجر و پاداشي متناسب با عمل خود به دست مي آورند و به هيچ وجه قابل مقايسه با مسلمانان عابد و متقي و حاضر در عرصه هاي زندگي اجتماعي و سياسي و كوشنده براي تحقق تعاليم جامع و زندگي ساز اسلام در گستره حيات دنيا قابل مقايسه نمي باشند.   
رويكردهاي اجتماعي و تلاش هاي سياسي درنگاه دين مبين حق تا آنجا حائز اهميت است كه علاوه بر آميختن آن در عبادت بزرگ و شريف « نماز » (1) در ماه مبارك رمضان و در عبادت عظيم و نقش آفرين « روزه » نيز اين رويكردها و تلاش ها را ضروري و لازم مي داند و برآنها اصرار مي ورزد.   
در ميان رهنمودهاي ائمه دين (علیهم السّلام) در باره ضرورت فعاليت هاي خالصانه اجتماعي و سياسي در ماه مبارك رمضان و نقش روزه در تسهيل آن دعاي حضرت امام سجاد(علیه السّلام) را يكي از نمونه ها و مصاديق تامل برانگيز مي يابيم .   
امام سجاد(علیه السّلام) در بخشي از دعاهاي مربوط به ماه مبارك رمضان اينگونه با حضرت پروردگار مناجات مي كند :   
« اي خداوند در اين ماه ما را موفق دار كه به خويشاوندانمان نيكي كنيم و به ديدارشان بشتابيم و همسايگانمان را به بخشش و عطاي خويش بنوازيم و اموالمان را از هرچه به ناحق برآن افزوده ايم پيراسته داريم و با اداي زكات پاكيزه گردانيم و با آنان كه از ما گسيخته اند بپيونديم و با آن كه در حق ماستمي روا داشته به مقتضاي انصاف رفتار كنيم و با آن كس كه با ما دشمني ورزيده دوستي كنيم جز آن كساني كه به خاطر رضاي تو با آنان دشمن شده ايم كه با چنين دشمني هيچ گاه سخن از دوستي نگوئيم و همدل نشويم . » (2 )   
در اين دعاي شريف هم گرايشات اجتماعي و هم رويكردهاي سياسي را مي توان به تعمق گذاشت .   
1 ـ گرايشات و تلاش و فعاليت هاي اجتماعي به صورت ذيل در اين دعا مورد توجه قرار گرفته است .   
ديدار از خويشان و نزديكان و نيكي درحق آنان يكي از اعمال صالح و ممدوح اجتماعي است كه تعاليم و معارف اسلامي به شدت نسبت به انجام آن اصرار مي ورزند.اين عمل در اسلام « صله رحم » نام گرفته است و در متن معارف دين براي عامل به اين دستورالعمل اجر و پاداش فراواني در نظر گرفته شده و قطع اين رابطه و پيوند از گناهان كبيره معرفي شده است .   
ارتباط با « همسايگان » و عطا و بخشش نسبت به آنان ـ به ويژه اگر محتاج و فقير و نيازمند باشند ـ از ديگر فعاليت هاي اجتماعي محسوب مي شود كه موجب جلب خشنودي خدا و رفع تنگناها و پيوند قلوب و ازدياد و رونق روابط اجتماعي صحيح و سازنده مي گردد. همچنين اين گرايش در رفع كدورت ها و ناراحتي ها بين همسايگان ـ كه گاهي در زندگي روزمره و براساس سوظن ها يا فعاليت هاي عناصر سخن چين و اختلاف برانگيز به وجود مي آيد ـ بسيار موثر است .   
پيراسته كردن اموال از آنچه به ناحق بر آن افزوده شده است يكي ديگر از عملكردهايي است كه بازندگي اجتماعي پيوند و ارتباط دارد. زيرا اموال و دارايي ها در اثر كار و تلاش درجامعه و با مواجهات و تعاملات با افراد گوناگون و در ضمن معامله ها و داد و ستدها به دست مي آيند و در همين صحنه ها و عرصه هاست كه سواستفاده ها ـ به صورت گران فروشي ياكم فروشي يااحتكار يا رشوه خواري يا به كارگيري روش هاي ناجوانمردانه ديگر همچون تخريب شخصيت ديگران با دروغ گويي و تهمت زني به منظور محروم كردن آنان از حقوق مادي ـ به ظهور و بروز درمي آيند.   
پيراسته كردن موال به دو صورت قابل تحقق مي باشد. صورت اول جلوگيري از سواستفاده ها و فعاليت هاي مخرب اقتصادي و حرامخواري و دزدي و ضايع كردن حق الناس مي باشد كه بايد به صورت قاطع و صريح اموال به ناحق تصاحب شده به صاحبان آنها مسترد گردد. صورت دوم پرداخت خمس و زكات است كه هيچ ارتباطي با حرامخواري ها و احتكار و ارتشا و دزدي و ضايع كردن حقوق ديگران ندارد بلكه وظيفه اي است كه بايد همه اهل ايمان با تحقق شرايط خاص به آن مبادرت ورزند و به اين وسيله با جلب رضايت خدا و عمل به تكليف ديني اموال خويش را به تزكيه معنوي و خلوص كامل برسانند.   
پيوند با گسيختگان و ايجاد ارتباط مجدد بين خود و آنان يكي ديگر از تلاش هاي اجتماعي به شمار مي آيد. اين عمل در شرايطي كه گسيختگان پيوندها انسان هاي سالم و صالحي باشند و نه اهل فتنه و نفاق و فريب كاري و اختلاف افكني ضرورت مي يابد و كساني كه در ايجاد ارتباط مجدد پيشقدم شوند در جلب رضايت خدا و تحقق مودت و محبت بين خود و ديگران سبقت گرفته اند.   
2 ـ در دعاي شريف حضرت امام سجاد(علیه السّلام) تعابير ديگري نهفته است كه هم داراي مصداق هاي اجتماعي مي باشند و هم مي توان مصاديق سياسي اين عبارات را به خوبي به نظاره نشست .   
آنچه امام (علیه السلام) در انتهاي دعاي خويش به صورت درخواست از خداوند مطرح مي كند را مجددا مرور مي كنيم :   
« خداوندا ما را موفق بدار با آن كه در حق ما ستمي روا داشته است به مقتضاي عدل و انصاف رفتار كنيم و با آن كس كه با ما دشمني ورزيده دوستي كنيم جز آن كسان كه به خاطر رضاي تو با آنان دشمن شده ايم كه با چنين دشمناني هيچ گاه سخن از دوستي نمي گوئيم و همدل نمي شويم . »   
موضوع اول در اين بخش از دعا « ستمگران » هستند كه هم مصاديق اجتماعي دارند و هم مصاديق سياسي .   
« ستمگران اجتماعي » كساني هستند كه در عرصه هاي كار و تلاش و در محيط هاي مختلفي كه انسان ها با يكديگر تعامل و مواجهه دارند با ارتكاب ستم هاي اقتصادي با تصاحب اموال يا ضايع كردن حقوق مردم و نيز با ارتكاب ستم هاي امنيتي با مختل كردن آسايش و آرامش توده هاي مردم و همچنين با ارتكاب ستم هاي مرتبط با آبرو و حيثيت افراد با ترويج دروغ و تهمت و دشنام و هتاكي و پرده دري عليه آنان جامعه انساني را با مشكل و رنج و ترس و هراس مواجه مي سازند.   
« ستمگران سياسي » نظام هاي حكومتي جور مي باشند كه به سرزمين هاي اسلامي تهاجم و تعدي مي ورزند و آزادي و استقلال ملل مسلمان را در معرض خطر اضمحلال قرار مي دهند. اينان در ادوار مختلف تاريخ و از جمله هم امروز جهان اسلام را هدف تحركات و فعاليت هاي مخرب نظامي خويش قرار داده و مي دهند و به همين دليل دفاع از اسلام و تماميت ارضي و استقلال سرزمين هاي اسلامي واجب مي گردد و جبهه توحيد بايد با انسجام و اتحاد و اقتدار كامل به مقابله با تعدي و تجاوز آنان بپردازد.   
همچنان كه در متن دعاي حضرت امام زين العابدين (علیه السّلام) آمده است در مقابله با ستم اجتماعي و ستم سياسي بايد با عدل و انصاف عمل نمود و اين وظيفه اي است كه تعاليم مقدس اسلام براي اهل ايمان مشخص نموده است . قرآن كريم به صراحت تمام ضمن توصيه و فرمان بر جهاد عليه ستمگران اهل ايمان را در مقابله با آنان دعوت به پرهيز از جور و ستم و گرايش به عدل مي نمايد :   
« در راه خدا با آنان كه به جنگ و مقاتله با شما برخاسته اند جهاد كنيد لكن ستمكار نباشيد كه خداوند ستمگران را دوست نمي دارد.» (3 )   
موضوع دوم در اين بخش از دعا « دوستي و دشمني در راه خدا » مي باشد كه در صحنه هاي مختلف حيات سياسي ـ در ابعاد داخلي و خارجي ـ تحقق مي يابد ـ دشمني در راه خدا علاوه بر ابعاد سياسي داراي ابعاد اجتماعي نيز مي باشد كه مخالفان دين خدا تنها نظام هاي سياسي و حكومتي باطل نيستند و دشمنان اجتماعي دين خداـ يعني ملحدان و فاسقان و فاسدان و قاتلان و باندهاي تبهكار و برهم زنندگان امنيت اجتماعي ـ در داخل جامعه اسلامي از مصاديق دعاي امام سجاد(علیه السّلام) به شمار مي روند. لكن بايد توجه داشت كه دشمنان سياسي اسلام به ويژه در سطح خارجي فراوان و اين نوع عداوت و دشمني با دين خدا داراي وسعت و گسترش خاص مي باشد و از همين روست كه تعاليم قرآن و رهنمودهاي پيشوايان دين (علیهم السّلام) به طور وسيع با مطرح كردن اصل دوستي و دشمني در راه خدا به رعايت اين اصل و قانون توسط اهل ايمان فرمان مي دهند.   
قرآن كريم ضمن توصيه هاي مكرر به دشمني و جهاد و مبارزه با دشمنان دين خدا مسلمانان را از دوستي با آنان نهي مي فرمايد و به صراحت اعلام مي كند : « اي اهل ايمان مبادا كافران را به دوستي گرفته و مومنان را رهاكنيد . آيا مي خواهيد خدا را بر (مجازات عصيان و سركشي خود) حجتي آشكار گردانيد » (5 )   
در كنار آيات فراوان قرآن كريم در موضوع دوستي و دشمني در راه خدا و مواجهه و معارضه با جبهه مشترك كفر و شرك و نفاق در هر عصر و زمان رهنمودهاي صريح پيامبر اكرم (صلّی الله علیه و آله و سلّم) و امامان (علیهم السّلام) قرار دارند.   
اين سخن از رسول گرامي اسلام (صلّی الله علیه و آله و سلّم) كه مي فرمايد : « بهترين كارها دوستي و دشمني در راه خداست » (6 )و اين رهنمود از اميرمومنان (علیه السّلام) كه اعلام مي دارد : « بپرهيز از اين كه دشمنان خدا را دوست بداري » (7 ) نمونه هايي از روايات بي شماري است كه موضوع آنها « دوستي و دشمني در راه خدا » مي باشد.   
حضرت امام سجاد(علیه السّلام) دردعاي خويش تصريح مي نمايد كه ما در راه رضا و خشنودي خدا با افراد و گروه ها و جريان ها و حكومت هايي كه در نقطه مقابل دين اسلام قرار دارند دشمني مي ورزيم . اين تاكيد در دعاي امام (علیه السّلام) به همراه آيات و رواياتي كه به صورت نمونه از نظر گذشت به وضوح اين حقيقت را به اثبات مي رساند كه اولااسلام دين « صلح كل » نمي باشد و آنگونه نيست كه با همه افراد و نظام ها و حكومت ها دوستي و مودت بورزد و در شرايطي كه آنان سرزمين هاي اسلامي را در معرض تعدي و تجاوز قرار داده اند سكوت اختيار كند و به دفاع از دين و ملل مسلمان نپردازد و به جهاد و مبارزه با دشمنان اهتمام نورزد و به ديپلماسي لبخند و سازش و تسامح و تسليم و ذلت روي آورد و بر متاع عظيم و بزرگ و گرانبهاي هويت ديني و استقلال سرزمين هاي اسلامي چوب حراج بزند. ثانيا اهميت دفاع و جهاد مقدس و دشمني با دشمنان دين خدا آنگونه در نگرش تعاليم جامع اسلام عميق و حساس و حياتي است كه در دعاها از جمله دعاي امام سجاد (علیه السّلام) در ماه مبارك رمضان به توجه و عمل دقيق به آن تصريح مي شود و از همين جاست كه ماهيت برخي از جريان هاي فكري و اعتقادي مدعي اسلام و احزاب و جمعيت هاي سياسي به ظاهر ديني در داخل و خارج از مرزها كه همواره به تبليغ و ترويج « اسلام صلح كل » مي پردازند و در صدد حذف تعاليم و قوانين روشن اين دين مبين مي باشند و با شگردها و ترفندهاي تبليغاتي مرموز و فريبنده به ترويج « اسلام آمريكايي » در ميان جوانان مسلمان كشورهاي اسلامي همت مي گمارند مشخص مي شود كه اينان دشمناني هستند كه در لباس دوست رفته اند و نقاب نفاق بر چهره زده اند و بايد آنان را شناخت و شناساندن و از اين طريق راه را براي رفع تفرقه و تشتت و تحقق قدرت و وحدت مسلمين صاف و هموار نمود.

پي نوشت ها

1 ـ نماز جماعت و نماز جمعه دو عبادت بزرگ الهي است كه تجلي گاه گرايشات و رويكردهاي اجتماعي و سياسي مي شوند و باعث مي گردند كه مسلمانان به هم نزديك شوند و به محبت و اخوت و وحدت برسند و از جريان ها و رخدادهاي سياسي اطلاع حاصل كنند و به سهم خود در ياري رساني به اهل ايمان در جنبه هاي مختلف و متناسب با مشكلات جهان اسلام اهتمام ورزند.   
2 ـ صحيفه سجاديه ترجمه عبدالمحمد آيتي انتشارات سروش ص 267 دعاي 44   
3 ـ قرآن كريم سوره بقره آيه 190   
4 ـ آيه 9 از سوره تحريم آيه 95 از سوره نسا و آيات 12 و 14 از سوره توبه نمونه هايي از آيات قرآن كريم در باره وجوب و ضرورت جهاد با دشمنان اسلام مي باشد.   
5 ـ سوره نسا آيه 144   
6 ـ نهج الفصاحه ترجمه ابوالقاسم پاينده انتشارات جاويدان ص 74 روايت 390   
7 ـ غررالحكم ترجمه و تنظيم موضوعي به كوشش محمد هاشم رسولي محلاتي دفتر نشر فرهنگ اسلامي ج 1 ص 117   
اين از مشخصه هاي بارز دين مبين اسلام است كه در تمام عبادت ها و در كنار همه پرورش هاي اخلاقي و معنوي گرايش هاي اجتماعي و سياسي را نيز به صورت جلوه اي از تعاليم و قوانين جامع خود به تجلي و ظهور درمي آورد تا اين بينش و شناخت را به اهل ايمان منتقل سازد كه اسلام دين زندگي است و به تمام ابعاد آفرينش انسان و همه نيازهاي او نظر مي گسترد و بين دنيا و آخرت موازنه ايجاد مي كند تا انسان را آنگونه بپرورد كه شخصيتي جامع به دست آورد   
اهميت دفاع و جهاد مقدس و دشمني با دشمنان خدا آنگونه در نگرش تعاليم جامع اسلام عميق و حساس و حياتي است كه در دعاها از جمله دعاي امام سجاد(علیه السّلام) در ماه مبارك رمضان به توجه و عمل دقيق به آن تصريح مي شود و از همين جاست كه ماهيت برخي از جريان هاي فكري و اعتقادي مدعي اسلام و احزاب و جمعيت هاي سياسي به ظاهر ديني در داخل و خارج از مرزها كه همواره به تبليغ « اسلام صلح كل » مي پردازند و با شگردها و ترفندهاي تبليغاتي مرموز و فريبنده به ترويج « اسلام آمريكايي » در ميان جوانان مسلمان كشورهاي اسلامي همت مي گمارند مشخص مي شود   
اسلام مسلمانان عابد و زاهد و درعين حال گوشه گير و بريده از اجتماع و تهي از بينش و آگاهي هاي سياسي و گريزان از وظايف و مسئوليت هاي اجتماعي و سياسي را كامل نمي داند و اين نوع دينداري و اسلام گرايي و عبادت را ناقص معرفي مي كند و اينان را به هيچ وجه با مسلمانان عابد و متقي و حاضر در عرصه هاي اجتماعي و سياسي و كوشنده براي تحقق تعاليم جامع زندگي ساز اسلام در گستره حيات دنيا قابل مقايسه نمي داند.